

درس اول زبان انگلیسی

# پایہ یازدهم

تقویت - کنکوری

ویرایش جدید (تستی - تشریحی)

تألیف و گردآوری:

"حسن خاکپور"

"جمال احمدی"

ویژه سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹

# Lesson One:

## “Understanding People”

### ”فہمیدن مردم“

رفع اشکال، پیشنہادات و انتقادات:

@HassanKhakpour

خاکپور: 09127211418

@EnglishVisionKhakpour

کانال تلگرام:

@JamalAhmadi1984

احمدی: 09141800310

@PracticalEnglish99

کانال تلگرام: ”انگلیسی کنکور با جمال احمدی“

## لغات مهم درس اول پایه یازدهم (Lesson One) *Key Words of Vision Two*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
<b>ability</b>	توانایی - لیاقت ، شایستگی	<b>completely</b>	کاملاً
<b>absolutely</b>	کاملاً ، قطعاً	<b>confident</b>	مطمئن
<b>access</b>	دسترسی، دستیابی - اضافی	<b>consider</b>	بررسی کردن، در نظر گرفتن
<b>across</b>	از عرض ، در امتداد	<b>context</b>	(جمله) بافت
<b>action</b>	اقدام، عمل	<b>continent</b>	قاره
<b>add</b>	اضافه کردن، جمع بستن	<b>create</b>	ایجاد کردن
<b>additional</b>	اضافی	<b>cultural</b>	فرهنگی
<b>afraid</b>	ترسیدن، نگران بودن	<b>culture</b>	فرهنگ
<b>age</b>	سن، عمر - عصر ، دوره	<b>danger</b>	خطر
<b>always</b>	همیشه	<b>day-to-day</b>	روزانه
<b>amazing</b>	شگفت انگیز، حیرت برانگیز	<b>deaf</b>	کر، ناشنوا
<b>amount</b>	مقدار، میزان	<b>despite</b>	علی رغم - با وجود ، با اینکه
<b>appear</b>	آشکار شدن - به نظر رسیدن	<b>destroy</b>	تخریب کردن، نابود کردن
<b>appropriate</b>	مناسب، شایسته ، درخور	<b>develop</b>	توسعه دادن، گسترش دادن
<b>artist</b>	هنرمند ، هنرپیشه	<b>development</b>	توسعه
<b>at least</b>	حداقل	<b>dictionary</b>	فرهنگ لغت
<b>available</b>	موجود، در دسترس	<b>die</b>	(زبان) از بین رفتن ، مردن
<b>beginner</b>	مبتدی، تازه کار	<b>die out</b>	از بین رفتن، منقرض شدن
<b>beginning</b>	شروع، آغاز، ابتدا	<b>difference</b>	تفاوت، اختلاف
<b>belief</b>	اعتقاد، باور، ایمان	<b>disappear</b>	ناپدید شدن
<b>belong</b>	تعلق داشتن به، وابسته بودن به	<b>early</b>	زود، به زودی - اولیه
<b>besides</b>	به غیر از، علاوه بر	<b>endangered</b>	در معرض خطر
<b>broadcast</b>	پخش ( برنامه تلویزیونی و...)	<b>enjoy</b>	لذت بردن
<b>borrow</b>	قرض گرفتن	<b>escape</b>	فرار کردن
<b>bottle</b>	بطری	<b>exchange</b>	مبادله کردن، عوض کردن
<b>call</b>	نامیدن، صدا زدن - تماس گرفتن	<b>exercise</b>	تمرین(درس) - ورزش
<b>candle</b>	شمع	<b>explanation</b>	توضیح
<b>capital letter</b>	حرف بزرگ	<b>exist</b>	وجود داشتن، هستی داشتن
<b>century</b>	قرن	<b>experience</b>	تجربه
<b>certainly</b>	قطعاً ، مسلماً	<b>fall down</b>	افتادن، سقوط کردن
<b>choose</b>	انتخاب کردن	<b>farming</b>	کشاورزی
<b>circle</b>	دور ... خط کشیدن، چرخیدن	<b>favorite</b>	مطلوب، مورد علاقه
<b>communicate</b>	ارتباط برقرار کردن	<b>feeling</b>	احساس
<b>comb</b>	شانه ( برس موی سر)	<b>finally</b>	در نهایت، سرانجام
<b>communication</b>	ارتباط	<b>fluent</b>	(سخن) روان، سلیس
<b>complete</b>	کامل کردن، تکمیل کردن	<b>fluently</b>	به طور روان

## لغات مهم درس اول پایه یازدهم (Lesson One) *Key Words of Vision Two*

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
foreigner	خارجی	matter	مسئله، مشکل
form	تشکیل دادن	mean	معنی دادن، منظور داشتن
fortunately	خوشبختانه	means	وسیله، ابزار
frequently	اغلب، پی در پی، به طور مکرر	measure	اندازه گیری کردن
give up	رها کردن، تسلیم شدن	meet	برآورده کردن - ملاقات کردن
grade	نمره - درجه، کلاس	mental	ذهنی
greatly	زیاد، به طور عمده	mention	بیان کردن، ذکر کردن
happen	اتفاق افتادن، روی دادن	mind	ذهن
hint	اشاره، نکته	mother tongue	زبان مادری
holy	مقدس	museum	موزه
honest	درستکار، صادق، راستگو	nation	ملت، کشور
honestly	به درستی، صادقانه	native	بومی، مادری، محلی
host	میزبان، مجری تلویزیونی	nearly	تقریباً، تا حدودی
imagine	تصور کردن	neighbor	همسایه
impossible	غیر ممکن	never	هرگز
increase	افزایش دادن	notebook	دفترچه یادداشت
institute	مؤسسه	notice	توجه
intent	قصد، تمایل	nowadays	این روزها، امروزه
interest	علاقه	number	عدد، رقم - شماره
international	بین المللی	object	مفعول - شیء
interview	مصاحبه کردن، مصاحبه	often	اغلب
invite	دعوت کردن	orally	به طور شفاهی
knowledge	دانش	order	سفارش دادن - نظم، ترتیب
label	نشان، برچسب، برچسب زدن	pattern	الگو، روش
language	زبان	period	نقطه - دوره زمانی
largely	زیاد، به طور عمده	photograph	عکس
laugh	خندیدن	phrase	عبارت
less	کمتر	physical	جسمی، بدنی
list	فهرست کردن، فهرست، لیست	pick	برداشتن
loaf	(نان) قرص	popular	محبوب - پر طرفدار
lose	از دست دادن، گم کردن - باختن	power	قدرت، توان - نیروی برق
loudly	با صدای بلند	predictive	قابل پیش بینی
luckily	خوشبختانه	price	قیمت، نرخ، بها - ارزش
make up	تشکیل دادن	percent	درصد
mark	علامت گذاری کردن، نشانه، علامت	probable	محتمل، احتمالی
master	یادگرفتن، مسلط شدن، استاد	project	پروژه، طرح، برنامه

## لغات مهم درس اول پایه یازدهم (Lesson One) Key Words of Vision Two

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
<b>pronounce</b>	تلفظ کردن	<b>strong</b>	قوی
<b>pronunciation</b>	تلفظ	<b>subject</b>	فاعل - موضوع
<b>protect</b>	حمایت کردن، محافظت کردن	<b>suggest</b>	پیشنهاد دادن
<b>protection</b>	حمایت، محافظت	<b>suitable</b>	مناسب - شایسته
<b>quiet</b>	ساکت، آرام، بی صدا	<b>surf</b>	گشتن در (اینترنت)
<b>quit</b>	ترک کردن	<b>surprising</b>	تعجب آور - شگفت انگیز
<b>range</b>	امتداد داشتن - در نوسان بودن	<b>syllable</b>	هجا بخش ( کلمه )
<b>ready</b>	آماده - حاضر	<b>synonym</b>	هم معنی - مترادف
<b>receive</b>	بدست آوردن، دریافت کردن	<b>system</b>	سیستم
<b>remember</b>	به خاطر آوردن	<b>take</b>	گرفتن - برداشتن
<b>repeat</b>	تکرار کردن	<b>therefore</b>	بنابراین
<b>respect</b>	احترام گذاشتن	<b>through</b>	از طریق - از میان ، از وسط
<b>save</b>	ذخیره کردن	<b>tiny</b>	کوچک، ریز
<b>scan</b>	نگاه سریع انداختن	<b>tongue</b>	زبان - بر زبان آوردن
<b>seek</b>	جستجو کردن	<b>translate</b>	ترجمه کردن
<b>sign</b>	نشانه	<b>translator</b>	مترجم
<b>sign language</b>	زبان اشاره	<b>turn off</b>	خاموش کردن
<b>similar</b>	مشابه، یکسان	<b>twice</b>	دوبار
<b>simple</b>	ساده، آسان	<b>type</b>	نوع ، دسته - تایپ کردن
<b>simply</b>	به سادگی	<b>under</b>	زیر
<b>skill</b>	مهارت - استادی - هنرمندی	<b>underline</b>	زیر... خط کشیدن
<b>slice</b>	تکه - قاچ ، برش	<b>understand</b>	فهمیدن، متوجه شدن، درک کردن
<b>smart</b>	باهوش، زرنگ	<b>unfortunately</b>	متأسفانه
<b>society</b>	جامعه، اجتماع	<b>usually</b>	معمولاً
<b>sometimes</b>	گاهی، بعضی اوقات	<b>valuable</b>	با ارزش، گران بها
<b>space</b>	فضا - فاصله	<b>value</b>	ارزش، بها، نرخ
<b>speaker</b>	سخنران. گوینده	<b>vary</b>	تغییر دادن، نوسان کردن، عوض کردن
<b>specific</b>	ویژه، خاص	<b>visit</b>	دیدن، ملاقات کردن
<b>step</b>	مرحله، قدم	<b>way</b>	روش، راه، شیوه ، طریقه
<b>storybook</b>	کتاب داستان	<b>wish</b>	آرزو
<b>strategy</b>	راهکار - استراتژی	<b>written</b>	کتبی، نوشتاری
<b>stress</b>	تأکید - استرس	<b>wrongly</b>	به اشتباه، غلط

## سایر لغات مهم درس اول پایه یازدهم (Lesson One) *Other Words of Vision Two*

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
happiness	خوشحالی	survive	زنده ماندن، بقا یافتن
vocabulary	واژگان	compare	مقایسه کردن
honesty	صداقت، درستکاری	training	آموزش
fear	ترس	layer	لایه
luck	شانس، بخت	straight	مستقیم، راست
patience	صبر	willing	مایل، مشتاق
cement	سیمان	continuously	پیوسته، همیشگی
grass	چمن	firmly	محکم، ثابت
butter	کره	transfer	انتقال دادن
toothpaste	خمیر دندان	advance	پیشرفت، پیش بردن
steam	بخار، بخار آب	population	جمعیت
wrestling	(ورزش) کشتی	run	دویدن، اداره کردن
flour	آرد	carelessness	بی فکری، بی توجهی، بی مبالاتی
dust	گرد و غبار	doubt	شک داشتن
chalk	گچ	reach	رسیدن به، دست یافتن
sand	شن	promise	قول دادن
salt	نمک	admit	پذیرفتن، اجازه دادن
transportation	حمل و نقل	entirely	کاملاً
furniture	اسباب، وسایل	actually	در واقع
equipment	تجهیزات	lie	دروغ گفتن
jewelry	جواهرات، جواهر آلات	suffer from	رنج بردن از
machinery	دستگاه	during	در زمان، در طی

### یادداشت:

---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



---

## Conversation (student Book: Page 19 - 20)

Babak Saberian is a translator who works for IRIB. Today, he is hosting Meysam in his office. Meysam is a high school student. He is interviewing Mr. Saberian for his school project.

بابک صابریان یک مترجم است که برای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران کار می کند. او امروز در دفتر کارش میزبان میثم است. میثم یک دانش آموز دبیرستانی است. او در حال مصاحبه با آقای صابریان برای پروژه ی مدرسه اش است.

**Meysam:** Thank you Mr. Saberian for inviting me to your office.

**میثم:** آقای صابریان از دعوت من به دفتر کارتون متشکرم.

**Mr. Saberian:** You're welcome!

**آقای صابریان:** خواهش می کنم!

**Meysam:** I heard you know three languages. Is that right?

**میثم:** من شنیدم شما ۳ زبان بلدید. درسته؟

**Mr. Saberian:** Well, actually four languages.

**آقای صابریان:** خُب. راستش چهار زبان (بلدم).

**Meysam:** Four! Really?! What languages do you know?

**میثم:** چهار(زبان)! واقعاً؟ چه زبان هایی را می دونید؟

**Mr. Saberian:** Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well

**آقای صابریان:** من علاوه بر زبان مادری ام فارسی، انگلیسی، فرانسوی و روسی رو به خوبی می دونم.

**Meysam:** Interesting! And when did you learn them?

**میثم:** جالبه! و شما چه موقع اونا (این زبانها) رو یاد گرفتید؟

**Mr. Saberian:** I began learning English at school when I was thirteen. Then I began learning French in a language institute when I was fifteen. And I learned Russian when I was a university student in Moscow.

**آقای صابریان:** من در مدرسه وقتی سیزده ساله بودم شروع به یادگیری انگلیسی کردم. بعد، وقتی پانزده ساله بودم در یک مؤسسه ی زبان شروع به یادگیری فرانسوی کردم و هنگامی که در مسکو دانشجوی بودم روسی یاد گرفتم.

**Meysam:** Can you use all of them fluently?

**میثم:** آیا شما می تونید از همه ی اونا روان استفاده کنید؟







## Reading (Student Book: Page 24 - 25)

### Languages of the World      زبانهای دنیا

Language is a system of communication. It uses written and spoken forms. People use language to communicate with each other in a society. They exchange knowledge, beliefs, wishes, and feelings through it.

زبان سیستم برقراری ارتباط است. آن از شکل های نوشتاری و گفتاری استفاده می کند. مردم در جامعه از زبان استفاده می کنند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. آن ها از طریق آن (زبان) تبادل دانش، عقاید، آرزوها و احساسات می کنند.

Languages vary greatly from region to region. They are so different that a person may not understand the language of someone from another region, country or continent. It is not surprising to hear that today about 7000 languages exist in the world. There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the Americas, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Oceania.

زبان ها از یک منطقه به منطقه ی دیگر خیلی فرق می کنند. آن ها ان قدر متفاوت هستند که یک شخص ممکن است زبان یک نفر از یک منطقه، کشور یا قاره ی دیگر را درک نکند. جای تعجب نیست که بشنویم امروزه حدود ۷۰۰۰ زبان در دنیا وجود دارند. در آفریقا بیش از ۲۰۰۰ (زبان)، در آمریکا ۱۰۰۰ (زبان)، در آسیا بیش از ۲۲۵۰ (زبان)، در اروپا حدود ۲۳۰ (زبان) و در اقیانوسیه بیش از ۱۳۰۰ زبان وجود دارند.

Native speakers of these languages range in number from very large, with hundreds of millions of speakers, to very small, with fewer than 10 speakers. The most popular language in the world is Chinese. More than one billion people in the world speak Chinese.

صحبت کننده های بومی این زبانها از نظر تعداد از خیلی زیاد، با صدها میلیون صحبت کننده، تا خیلی کم، با کم تر از ۱۰ صحبت کننده متغیر هستند. پرتعدادترین زبان دنیا چینی است. بیش از یک میلیارد نفر در دنیا چینی صحبت می کنند.

Interestingly, English has fewer native speakers than Chinese, but there are about one billion learners of English all around the world. They learn English as an international language.

جالب این که انگلیسی صحبت کننده های بومی کم تری از چینی دارد اما در سرتاسر جهان حدود یک میلیارد فراگیر انگلیسی وجود دارد. آنها زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان بین المللی یاد می گیرند.



# نمونه سؤالات امتحانی واژگان

## پاسخنامه: صفحه ۴۱

۱. با استفاده از کلمات داده شده، جملات زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی می باشد)

society / despite / regions / mistake / specific / communication / suggestion / impossible / abilities

1. It was a ----- for us to come here tonight.
2. I know a lot of children with different -----.
3. There was very little ----- between the two brothers.
4. They didn't like my ----- that we should all share the cost.
5. He could eat a big lunch ----- having eaten a big breakfast.
6. Finding somewhere cheap to live in the city centre is -----.
7. We must also consider the needs of the younger members of -----.
8. We can find some endangered animals in the northern ----- of our country.

exist / decided / range / communicate / suggested / disappearing / varied / imagine / choose

9. We can now ----- easily with people on the other side of the world.
10. Parents can ----- the schools that they want their children to go to.
11. My friend ----- a Chinese restaurant near the station for the party.
12. The scientists are sure that life does not ----- on that planet.
13. ----- that you're eating ice cream. Try to feel how cold it is.
14. The cost of food and drink ----- from week to week.
15. These flowers are ----- from our fields and woods.
16. They ----- to move abroad and make a fresh start.

۲. جملات زیر را با نوشتن یک کلمه مناسب کامل کنید.

1. C \_ \_ \_ \_ \_ is a period of 100 years.
2. Asia and Africa are the two biggest c \_ \_ \_ \_ \_ .
3. My mother bought four l \_ \_ \_ \_ \_ of bread this morning.
4. The first language that you learn is your n \_ \_ \_ \_ \_ tongue.
5. A large group of people who live together is called a s \_ \_ \_ \_ \_ .
6. A l \_ \_ \_ \_ \_ gets knowledge or skill in a new subject or activity.
7. A person who is unable to hear, either completely or partly is a d \_ \_ \_ person.
8. If you are c \_ \_ \_ \_ \_ , you're sure that you can do something well or something will happen.

۳. کلمات زیر را با تعاریف داده شده مطابقت دهید. (یک کلمه اضافی می باشد)

sign language / foreigner / synonym / make up / specific / range / despite / ability / parking lot

1. Relating to one thing and not others: (-----)
2. To form a thing, amount or number: (-----)
3. A person who comes from another country: (-----)
4. The physical or mental power or skill to do something: (-----)
5. To have an upper and a lower limit in amount, number, etc. : (-----)
6. An outside area of ground where you can leave a car for a period of time: (-----)
7. A word or phrase that has the same or nearly the same meaning as another word or phrase: (-----)
8. A system of communication for people who cannot hear that uses hand and finger movements: (-----)

۴. بهترین گزینه را انتخاب کنید.

1. He tried to explain by ----- of sign language.

a. through	b. extra	c. means	d. plenty
------------	----------	----------	-----------

2. We had a very hard winter last year and some of the plants -----.

a. escaped	b. died	c. varied	d. ranged
------------	---------	-----------	-----------

3. Does your brother play any other sports ----- basketball?

a. according to	b. plenty of	c. therefore	d. besides
-----------------	--------------	--------------	------------

4. Many of the world's cities have ----- of more than five million.

a. mistakes	b. activities	c. objects	d. populations
-------------	---------------	------------	----------------

5. What was his ----- for why he was late?

a. explanation	b. experience	c. suggestion	d. familiar
----------------	---------------	---------------	-------------

6. Any ----- needs different services and all jobs are important and useful.

a. institute	b. society	c. region	d. continent
--------------	------------	-----------	--------------

7. When a person is -----, he or she can speak a language easily, well, and quickly.

a. mental	b. learner	c. fluent	d. familiar
-----------	------------	-----------	-------------

8. You got twenty ----- of the answers right.

a. percent	b. interest	c. century	d. measure
------------	-------------	------------	------------

9. We made some ----- to the house before selling it.

a. centuries	b. regions	c. interests	d. improvements
--------------	------------	--------------	-----------------

10. If you ----- how long he's been learning the piano, he's not very good.

a. consider	b. label	c. choose	d. communicate
-------------	----------	-----------	----------------

11. The group is ----- made up of young people.

<i>a. wrongly</i>	<i>b. mainly</i>	<i>c. fluently</i>	<i>d. frequently</i>
-------------------	------------------	--------------------	----------------------

12. The game continued ----- the rain.

<i>a. plenty of</i>	<i>b. by means of</i>	<i>c. through</i>	<i>d. despite</i>
---------------------	-----------------------	-------------------	-------------------

13. We can ----- addresses when we see each other.

<i>a. exchange</i>	<i>b. matter</i>	<i>c. escape</i>	<i>d. appear</i>
--------------------	------------------	------------------	------------------

14. It was ----- to sleep because of the noise.

<i>a. valuable</i>	<i>b. honest</i>	<i>c. impossible</i>	<i>d. popular</i>
--------------------	------------------	----------------------	-------------------

15. Few people can ----- without water for more than a week.

<i>a. explain</i>	<i>b. decide</i>	<i>c. die</i>	<i>d. exist</i>
-------------------	------------------	---------------	-----------------

16. The Holy Quran is ----- in more than 100 languages.

<i>a. countable</i>	<i>b. available</i>	<i>c. uncountable</i>	<i>d. confident</i>
---------------------	---------------------	-----------------------	---------------------

17. Pay attention to what he's saying because he won't ----- it a second time.

<i>a. choose</i>	<i>b. explain</i>	<i>c. make up</i>	<i>d. measure</i>
------------------	-------------------	-------------------	-------------------

18. Many languages can ----- the needs of their own speakers.

<i>a. matter</i>	<i>b. use</i>	<i>c. meet</i>	<i>d. range</i>
------------------	---------------	----------------	-----------------

19. I have to say that it's ----- to find you agreeing with me for once.

<i>a. surprising</i>	<i>b. confident</i>	<i>c. familiar</i>	<i>d. additional</i>
----------------------	---------------------	--------------------	----------------------

20. I have children in my class of very mixed -----.

<i>a. institutes</i>	<i>b. continents</i>	<i>c. activities</i>	<i>d. abilities</i>
----------------------	----------------------	----------------------	---------------------

21. Dress sizes ----- from small to extra-large.

<i>a. escape</i>	<i>b. range</i>	<i>c. imagine</i>	<i>d. disappear</i>
------------------	-----------------	-------------------	---------------------

22. About fifty ----- of the world's languages have fewer than 5000 speakers.

<i>a. explanation</i>	<i>b. centuries</i>	<i>c. percent</i>	<i>d. societies</i>
-----------------------	---------------------	-------------------	---------------------

23. He never answers emails, no ----- how many you send him.

<i>a. exist</i>	<i>b. matter</i>	<i>c. choose</i>	<i>d. surf</i>
-----------------	------------------	------------------	----------------

24. Stress can affect both your physical and ----- health.

<i>a. cultural</i>	<i>b. mental</i>	<i>c. additional</i>	<i>d. republic</i>
--------------------	------------------	----------------------	--------------------

25. It's ----- impossible to work with all this noise.

<i>a. fluently</i>	<i>b. wrongly</i>	<i>c. absolutely</i>	<i>d. frequently</i>
--------------------	-------------------	----------------------	----------------------

کلمات مترادف کلماتی هستند که از نظر معنی با همدیگر برابر هستند و میتوانند در جمله به جای هم قرار بگیرند و جمله از نظر معنی تغییر نکند. مهمترین کلمات مترادف پایه **دهم** و **یازدهم** عبارتند از:

کلمه	مترادف	معنی	کلمه	مترادف	معنی
absolutely	surely	قطعاً - حتما	look after	take care of	مراقبت کردن از
additional	extra	اضافی	match	race	مسابقه
besides	in addition	علاوه بر	necessary	essential	لازم - ضروری
despite	in spite of	علی رغم	predict	foresee	پیش بینی کردن
fast	quick	سریع	prevent	stop	جلوگیری کردن
form	make up	شکل دادن	produce	make	تولید کردن
fortunately	luckily	خوشبختانه	properly	appropriately	به درستی
quit	give up	رها کردن	rarely	seldom	به ندرت
greatly	mostly	عمدتاً - اساساً	hardly	barely	به ندرت
imagine	think of	تصور کردن	recent	new	اخیر - تازه
largely	greatly	عمدتاً - اکثراً	secret	mystery	راز - رمز
nearly	about	تقریباً	take part in	attend	شرکت کردن در
notice	attention	توجه کردن	topic	title	عنوان
piece	slice	تکه - قطعه	unfortunately	unluckily	متأسفانه
powerful	strong	قدرتمند	avoid	prevent	جلوگیری کردن
region	area	ناحیه - منطقه	means	tools	وسيله
seek	search for	جستجو کردن	direct	guide	هدایت کردن
special	certain	ویژه - خاص	effect	influence	تأثیر
suitable	appropriate	مناسب	in particular	specially	به ویژه
tiny	small	کوچک	nervous	angry	عصبی
same	similar	یکسان - مشابه	specialist	expert	متخصص
valuable	expensive	با ارزش	achieve	gain	به دست آوردن
excellent	fantastic	عالی	amazed	surprised	متعجب
a bit	a little	یه خورده	ashamed	embarrassed	شرمنده
actually	in fact	در واقع	attempt	try	تلاش - سعی
candy	sweet	آب نبات	diversity	difference	تنوع - گوناگونی
specific	particular	ویژه - خاص	frightened	afraid	ترسیده
goal	aim	هدف - مقصد	tour	travel	سفر
unique	single	تک، تنها	pleasure	enjoyment	لذت، خوشی
business	trade	تجارت	totally	entirely	به طور کامل

کلمه	مترادف	معنی	کلمه	مترادف	معنی
effective	efficient	مؤثر - مفید	recognize	understand	فهمیدن
famous	well-known	مشهور - معروف	vast	wide	وسیع
general	normal	کلی - معمولی	essay	article	مقاله
happening	event	رویداد - واقعه	available	at hand	موجود - در دسترس
harmful	hurtful	مضر	sign	symbol	علامت - نشانه
keep on	continue	ادامه دادن	besides	furthermore	علاوه بر
early	soon	زود - به زودی	sociable	friendly	اجتماعی - صمیمی
project	scheme	پروژه - طرح	creative	inventive	خلاق
range	vary	متغیر بودن	craft	art	صنعت - هنر
reduce	decrease	کاهش دادن	price	value	ارزش - بها
type	kind	نوع - دسته	touching	emotive	تاثیر برانگیز
earn	obtain	کسب کردن	frightened	scared	ترسیده
calm	quiet	آرام - ساکت	reflect	show	نشان دادن
harmless	hurtless	بی ضرر	humankind	mankind	بشر
alarm	warn	هشدار	confused	mixed up	گیج
risk	danger	خطر	attempt	endeavor	تلاش - سعی
expect	hope for	انتظار داشتن	simple	easy	آسان
contain	include	شامل بودن	artificial	hand-made	مصنوعی
disease	illness	بیماری	practice	exercise	تمرین
attend	participate	شرکت کردن	custom	tradition	رسم - آیین
behave	treat	رفتار کردن	depend on	rely on	وابسته بودن به
endangered	at risk	در خطر	increase	enhance	افزایش دادن
defend	protect	دفاع کردن	forest	jungle	جنگل
human	person	انسان، شخص	common	ordinary	عادی، رایج
boring	uninteresting	کسل کننده	really	actually	واقعاً
lose	miss	از دست دادن	rule	law	قاعده، قانون
pain	ache	درد	injured	damaged	زخمی، مجروح
save	protect	نجات دادن	instead of	in place of	در عوض، به جای
strategy	plan	طرح، نقشه	amazing	surprising	تعجب برانگیز
regular	normal	منظم، مرتب	movie	film	فیلم
however	although	اگر چه	climb	mount	بالا رفتن
cheerful	glad	شاد	satisfied	gratified	راضی، خرسند
custom	tradition	رسم، سنت	diversity	variety	تنوع



کلمه	مترادف	معنی	کلمه	مترادف	معنی
identify	recognize	تشخیص دادن	pattern	method	الگو، روش
road	path	جاده، مسیر	average	medium	متوسط
around	surrounding	اطراف، دور و بر	near	close	نزدیک
comprehension	understanding	درک، فهم	microbe	germ	میکروب
orbit	rotation	چرخیدن	brave	fearless	شجاع، نترس
fresh	recent	تازه، جدید	paint	color	رنگ، رنگ کردن
delicious	tasty	خوشمزه	hint	clue	نکته
strange	uncommon	عجیب، غیر عادی	ring	circle	دایره، حلقه
heaven	paradise	بهشت	creation	formation	خلق، شکل گیری
organ	part	قسمت، بخش	keep	hold	نگه داشتن
opinion	attitude	عقیده، نظر	expensive	costly	گران
element	component	عنصر	compare	weigh	مقایسه کردن
describe	explain	توصیف کردن	sickness	illness	بیماری
arrow	indicator	نشانگر، کمان	device	tools	وسيله، ابزار
skill	ability	مهارت، توانایی	gain	get	به دست آوردن
require	demand	نیاز داشتن	similar	alike	مشابه، شبیه
at once	immediately	فوراً	site	location	محل
vacation	holiday	تعطیلی	ancient	old	قدیمی
entertainment	amusement	سرگرمی	native	local	بومی، محلی
probably	perhaps	احتمالاً	main	chief	عمده، اصلی
recreation	hobby	سرگرمی	popular	famous	مشهور
war	fighting	جنگ، دعوا	return	come back	برگشتن
midday	noon	ظهر، نصف روز	patiently	calmly	با خونسردی
train	educate	آموزش دادن	quiet	silent	ساکت
rudely	impolitely	گستاخانه، با پر رویی	society	community	جامعه
nearly	almost	تقریباً	respect	regard	احترام
farming	agriculture	کشاورزی	smart	clever	با هوش
depressed	unhappy	ناراحت	balance	stability	متوازن، پایدار
calm	relaxed	آرام، خون سرد	physical	bodily	بدنی، جسمی
emotional	sensitive	احساساتی، حساس	relationship	connection	ارتباط
condition	situation	موقعیت	reason	cause	دلیل
destructive	damaging	مخرب	subject	topic	موضوع

# گرامر درس اول:

## "اسامی قابل شمارش" و "غیر قابل شمارش"

از نظر اینکه آیا اسمها را میتوان شمرد یا نه، اسامی به دو دسته ی "قابل شمارش" و "غیر قابل شمارش" تقسیم میشوند.

### ۱) اسمهای قابل شمارش (Countable Nouns):

اسمهای قابل شمارش اسم هایی هستند که بتوان آنها را شمارش کرد. این اسم ها میتوانند به دو صورت "مفرد" و "جمع" باشند. قبل از اسمهای قابل شمارش میتوان از اعداد برای شمارش آنها استفاده کرد. مثلا اسم "کتاب". ما می توانیم بگوئیم ۱ کتاب، ۲ کتاب.

**نکته بسیار مهم:** اسم مفرد قابل شمارش، هیچ وقت به صورت تنها در جمله آورده نمیشود و حتماً باید قبل از آن تعیین کنندهایی مثل a, an, the, صفات ملکی و... استفاده شود:

I have a book. → من یک کتاب دارم (Not: I have ~~book~~.)

### ۲) اسمهای غیر قابل شمارش (Uncountable Nouns):

اسم های غیر قابل شمارش اسم هایی هستند که قابل شمارش نیستند و نمیتوان آنها را شمرد. در نتیجه این گونه اسمها به صورت "مفرد" دیده میشوند و حالت جمع ندارند. پس اسم های غیر قابل شمارش رو نمیتوان جمع بست. انگلیسی ها برای اندازه گیری اسم های غیر قابل شمارش از واحدها و اندازه گیری هایی استفاده می کنند که این واحدها قابل شمارش هستند و قبل از اسم های غیر قابل شمارش آورده میشوند تا مفاهیم را انتقال بدهند. مثلاً "cheese" که غیر قابل شمارش میباشد، برای آن از واحد کیلوگرم استفاده میشود. مثلاً میگوئیم ۱ کیلو یا ۲ کیلو پنیر می خواهیم که انگلیسی آن به صورت زیر خواهد بود:

I want one kilo of that cheese. → I want two kilos of that cheese.  
"من دوکیلو از آن پنیر میخوام." اسم غیر قابل شمارش واحد شمارش

**توجه مهم:** واحدهای اندازه گیری که قبل از اسم غیر قابل شمارش بکار میروند جمع بسته میشوند نه اسم غیر قابل شمارش.

تعدادی از واحدهایی که برای شمارش اسم های غیر قابل شمارش استفاده میشوند عبارتند از:

معنی	واحد شمارش	معنی	واحد شمارش	معنی	واحد شمارش
یک کیلو از	a kilo of	یک بطری از	a bottle of	یک قرص	a loaf of
یک قطره از	a drop of	یک تکه از	a piece of	یک فنجان	a cup of
یک بسته از	a packet of	یک کیسه	a bag of	یک کارتن	a carton of
یک برگه از	a sheet of	یک لیوان از	a glass of	یک برش، یک تکه	a slice of
یک قوطی	a can of	یک لوله	a tube of	یک شیشه از	a jar of
یک جعبه از	a box of	یک کاسه از	a bowl of	یک قالب / شمش	a bar of

"سه بطری آب" three bottles of water → "یک بطری آب" a bottle of water

**نکته:** باید به این مسأله هم اشاره کنیم چون زبان فارسی و انگلیسی دو زبان متفاوت هستند، این احتمال وجود دارد که اسمی در زبان فارسی قابل شمارش باشد اما در زبان انگلیسی غیر قابل شمارش محسوب گردد.

## تقسیم بندی اسم های غیر قابل شمارش:

۱- اسمهای انتزاعی که به طور فیزیکی قابل لمس کردن نیستند:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
علاقه	interest	خوشبختی	happiness	نور خورشید	sunshine
فضا	space	دانش	knowledge	نصیحت	advise
توجه	notice	عشق	love	خطر	danger
نیرو	power	ترس	fear	درد	pain
شانس	luck	موسیقی	music	سلامتی	health
صداقت	honesty	تجربه	experience	آموزش	education
پول	money	صبر	patience	کمک	help

۲- اسمهایی که برای تشکیل آنها چند مواد ترکیب شده تا آن اسم بوجود آید:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
هوا	air	کاغذ	paper	سوپ	soup
شکر	sugar	پنیر	cheese	سیمان	cement
لغت	vocabulary	کیک	cake	نان	bread

۳- اسم زبانها:

German	French	Italian	English	Japanese	Italian
--------	--------	---------	---------	----------	---------

۴- اسمهایی که به ظاهر اسم جمع هستند ولی در واقع اسم های غیر قابل شمارش می باشند.

news	physics	mathematics
------	---------	-------------

۵- مایعات و نیمه جامدات و گازها:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
آهن	iron	شیر	milk	گوشت	meat
اکسیژن	oxygen	خون	blood	آب	water
دود	smoke	قهوه	coffee	مربا	jam
بخار	steam	یخ	ice	نوشابه	soda
چوب	wood	طلا	gold	خمیر دندان	toothpaste
چای	tea	شکلات	chocolate	کره	butter
روغن	oil	هوا	air	پنیر	cheese

۶- ورزشها و سرگرمیها مثل:

wrestling	shopping	basketball	fishing	swimming	tennis
-----------	----------	------------	---------	----------	--------

### ۷- ذرات و دانه ها:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
شکر	sugar	آرد	flour	برف	snow
گچ	chalk	گرد و خاک	dust	شن	sand
برنج	rice	موی سر	hair	نمک	salt

### ۸- اسامی که به یک مجموعه ( واحد کل ) اشاره دارند:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
مبلمان منزل	furniture	تکلیف	homework	پوشاک	clothing
ماشین آلات	machinery	جواهرات	jewelry	حمل و نقل	transportation
میوه	fruit	وسایل سفر	baggage	تجهیزات	equipment

### ۹- اسامی رشته های تحصیلی و عناوین درسها:

art	biology	history	geography	mathematics	chemistry
-----	---------	---------	-----------	-------------	-----------

### ۱۰- پدیده های طبیعی:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
رعد و برق	thunder	گرما	heat	آب و هوا	weather
آتش	fire	برف	snow	نور خورشید	sunshine
نور	light	طوفان	storm	سرما	cold
باد	wind	باران	rain	مه	fog

**نکته مهم:** از آنجایی که اسم های غیر قابل شمارش حالت جمع ندارند و همیشه همچون "اسم مفرد" در نظر گرفته میشوند، فعلهایی که با آنها به کار میروند باید به صورت "مفرد" باشند.

There **is** a lot of **news** about the car accident. "در مورد تصادف ماشین خبرهای زیادی وجود دارد."  
 (Not: There **are** a lot of news about the car accident.)

### تعیین کننده های کمیتی که قبل از اسم جمع قابل شمارش قرار می گیرند:

lots of	a lot of	plenty of	several	many	some	a few	few
---------	----------	-----------	---------	------	------	-------	-----

**نکته:** این تعیین کننده ها باید حتما قبل از "اسم جمع قابل شمارش" باشند نه مفرد.

### تعیین کننده های کمیتی که قبل از اسم غیر قابل شمارش قرار می گیرند:

lots of	a lot of	plenty of	much	some	a little	little
---------	----------	-----------	------	------	----------	--------

**تعیین کننده های کمیتی مشترک:** برخی از تعیین کننده هایی که قبل اسم های جمع قابل شمارش و اسم های غیر قابل شمارش مشترک هستند که عبارتند از: lots of, a lot of, plenty of, some

**کاربرد plenty of, a lot of, lots of:** این سه تعیین کننده هم "قبل از اسم های جمع قابل شمارش" مورد استفاده قرار میگیرند و هم "قبل از اسمهای غیر قابل شمارش". اگر قبل از اسمهای جمع قابل شمارش مورد استفاده قرار بگیرند "تعداد زیاد" را نشان میدهند و اگر قبل از اسمهای غیر قابل شمارش بیایند "مقدار زیاد" آن اسم را مشخص میکنند.

"علی در ریاضی مشکلات خیلی زیادی دارد." (قبل از اسم جمع قابل شمارش) Ali has a lot of **problems** in math.

"من کتابهای خیلی زیادی را برای برادرم خریدم." (قبل از اسم جمع قابل شمارش) I bought **lots of books** for my brother.

"ماه گذشته او پول خیلی زیادی را خرج کرد." (قبل از اسم غ ق ش) Last month, he spent **lots of money**.

"این روزها رمان خیلی سرش شلوغ و وقت خیلی زیادی برای ورزش کردن ندارد." (قبل از اسم غ ق ش) These days, Raman is very busy and he doesn't have a lot of **time** to exercise.

**کاربرد many:** میتواند در جملات مثبت، سؤالی و منفی قبل از اسم "جمع قابل شمارش" مورد استفاده قرار بگیرد.

**نکته خیلی مهم:** قبل از اسامی سال، ماه، هفته و روز و عباراتی که به زمان مربوط میشوند به جای **a lot of** و **lots of** فقط از **many** استفاده میشود.

"آنها خیلی وقت پیش در انگلستان بوده اند." They have been to England **many years** ago.

(**Not:** They have been to England **a lot of** years ago).

**کاربرد much:** به معنای مقدار "زیاد" میباشد و تنها قبل از اسمهای "غیر قابل شمارش" مورد استفاده قرار می گیرد.

**نکته خیلی مهم:** much بیشتر در جملات منفی و سؤالی مورد استفاده قرار می گیرد.

"من پول زیادی برای خرید کادو برای مادرم نداشتم." I didn't have **much money** to buy a present for my mother.

"او معمولاً زیاد برای رفتن به باشگاه وقت نمیگذارد." She usually doesn't spend **much time** to go to the gym.

**نکته:** در جمله مثبت به جای آوردن much از "a lot of" یا "lots of" استفاده میشود.

"برادرم معمولاً قهوه ی زیادی را در شب میخورد." My brother usually drinks **a lot of coffee** at night.

(**Not:** My brother usually drinks **much** coffee at night.)

**کاربرد some:** به معنی "تعدادی"، قبل از اسامی "جمع قابل شمارش" و به معنی "مقداری" قبل از اسامی "غیر قابل

شمارش" بکار برده میشود. از some اکثراً در جملات "مثبت" استفاده میکنیم:

"در بطری کمی شیر وجود دارد." There is **some milk** in the bottle. (قبل از اسامی غیر قابل شمارش)

"من در کیفم تعدادی خودکار دارم." I have **some pens** in my bag. (قبل از اسامی جمع قابل شمارش)

**نکته خیلی مهم:** اما برای "درخواست" و "پیشنهاد" از some در جملات "سؤالی" هم بهره میگیریم:

"آیا کمی شیر میل دارید؟" Would you like **some** milk?

**کاربرد a few و few:** هر دو قبل از اسم "جمع قابل شمارش" استفاده میشوند. در جملاتی که در آن از a few استفاده

میشود مفهوم "مثبت" را می رساند (به معنای تعداد کم در حدی که کافی باشد) و برعکس در جملاتی که در آنها قبل اسم از few استفاده بشود جمله "منفی" میشود. (به معنای تعداد خیلی خیلی کم در حدی که کافی نباشد و در حد صفر میباشد).

There are **a few students** in the class. There are enough people to hold the class.

تعداد کمی دانش آموز سر کلاس هستند. برای تشکیل کلاس کافی هستند. (کلاس تشکیل میشود)

There are **few students** in the class. There are not enough people to hold the class.

تعداد خیلی خیلی کمی دانش آموز سر کلاس هستند. برای تشکیل کلاس کافی نمیباشند (کلاس تشکیل نمیشود)

**کاربرد a little و little:** بعد از هر دوی اینها از اسم "غیر قابل شمارش" استفاده میکنیم. در جملاتی که در آن از a little

استفاده میشود مفهوم "مثبت" را می رساند (به معنای مقدار کم در حدی که کافی باشد) و برعکس در جملاتی که در آنها قبل اسم از little استفاده بشود جمله "منفی" میشود. (به معنای مقدار خیلی خیلی کم در حدی که کافی نباشد و در حد صفر میباشد).

My parents are going to visit us tonight. We have **a little** fruit in the fridge.

"والدینم امشب میخواهند از ما دیدن کنند. در یخچال یه مقدار میوه داریم." (میوه کم است اما به اندازه کافی میباشد).

My parents are going to visit us tonight. We have **little** fruit in the fridge.

"والدینم امشب میخواهند از ما دیدن کنند. در یخچال مقدار خیلی خیلی کمی میوه داریم." (میوه خیلی کم است به اندازه کافی نمیباشد).

**نتیجه گیری خیلی مهم:** در جمله ای که در آن از few و یا little استفاده شده باشد، مفهوم آن "منفی" بوده و نشان میدهد

که تعداد یا مقدار آن اسم بیش از حد کم میباشد پس جمله "منفی" میشود.

## "اعداد" "Numbers"

همانطور که در بخش های قبل اشاره کردیم اعداد هم جزئی از معرف های اسم محسوب میشوند. ما می توانیم قبل از اسم های

قابل شمارش از اعداد برای مشخص کردن تعداد آن اسم استفاده کنیم.

نکته ای که اینجا وجود دارد این است که به غیر از عدد یک، بعد از سایر اعداد باید اسم "جمع قابل شمارش" بکار برده شود.

اعداد هم به عنوان تعیین کننده های قبل از اسم به کار میروند. زمانی که اعداد دارای دهگان و یکان باشند و به صورت حرفی نوشته بشوند، چه قبل از اسم و یا بدون اسم بیایند، باید بین دهگان و یکان یک خط تیره قرار داده بشود. این موضوع فقط در مورد اعدادی هست که دهگان و یکان دارند و شامل اعداد بزرگتر نمیشود. پس باید اعداد "بیست و یک" تا "نود و نه" که قبل از اسم برای تعیین تعداد آن اسم قابل شمارش به کار میروند، خط تیره ای بین دهگان و یکان آنها قرار داده شود.

**eighty- three horses**

**forty- seven books**

**twenty- five languages**

**نکته مهم ۱:** اما اعداد صد، هزار، میلیون و بالاتر (اگه به صورت حرفی نوشته شوند)، گذاشتن خط تیره ما بین آنها لازم نیست و

همیشه بصورت "مفرد" نوشته میشوند و حالت جمع ندارند: three **hundred** horses      one **million** books

**نکته مهم ۲:** ما بین عدد و اسم هرگز حرف اضافه ای نمی آید. one **million** of books

**نکته مهم ۳:** برای اشاره به مفاهیم کلی مثل صدها، هزاران، میلیونها ... میتوان اعداد را جمع بست و قبل از آن اسم از حرف

اضافه **of** استفاده کرد: **hundreds of students - thousands of books - millions of birds**



**نکته مهم ۴:** اگر هر عددی بالاتر از صد تا بی نهایت، دارای عددی باشد که دهگان و یکان دارد، فقط ما بین عدد دهگان و یکان خط تیره گذاشته می شود:

two hundred **thirty-five** books

دویست و سی و پنج کتاب

one thousand **sixty-eight** books

یک هزار و شصت و هشت کتاب

**یادآوری مهم:** همانطور که می دانید در انگلیسی صفت می تواند قبل از اسم قرار بگیرد. در اسمهایی که قابل شمارش باشند و قبل از آنها صفت آمده باشد می توانیم برای شمردنشان قبل از آنها از اعداد استفاده کنیم. "**صفت ما بین عدد و اسم**" می آید. اگر اسم مفرد باشد می توانیم از ترکیب زیر استفاده کنیم:

اسم مفرد قابل شمارش + صفت + **one**

I bought **one interesting** book.

"من یک کتاب جالب خریدم."

و اگر اسم قابل شمارش جمع باشد باید از ترکیب زیر استفاده کنیم:

اسم قابل شمارش جمع + صفت + **two/three/ ....**

I bought **two interesting** books

"من دو کتاب جالب خریدم."

**کاربرد How many:** زمانی از How many در جمله برای سوالی کردن استفاده می کنیم که بخواهیم از تعداد اسم قابل شمارش جمع در جمله باخبر شویم. پس باید حواسمان باشد که بعد از How many فقط اسم "**قابل شمارش جمع**" مورد استفاده قرار می گیرد و ما نمی توانیم از اسم مفرد قابل شمارش استفاده کنیم. برای سوالی کردن از ترکیب زیر استفاده می کنیم:

ساختار سوالی جمله + اسم قابل شمارش جمع + **How many**

How many **children** do you have?"

"شما چه تعداد بچه دارید؟"

**کاربرد How much:** زمانی که بخواهیم از مقدار اسم "**غیر قابل شمارش**" در جمله مطلع شویم برای سوالی کردن جمله از How much استفاده می کنیم. پس به این نکته توجه کنید که بعد از How much از اسم غیر قابل شمارش استفاده می کنیم. برای سوالی کردن از ترکیب زیر استفاده می شود:

ساختار سوالی جمله + اسم غیر قابل شمارش + **How much**

How much **money** do you need?

"چه مقدار پول لازم دارید؟"

**یادگیری نکات زیر در حل تستهای این مبحث میتوانند خیلی یاری رسان باشند:**

**one of:** به معنی "**یکی از**" قبل از "**اسم جمع قابل شمارش**" می آید اما فعل همراه آن همواره بصورت "**مفرد**" خواهد آمد: (بعد از آن هم چنانچه صفتی بیاید، آن صفت، "**صفت عالی یا برترین**" خواهد بود.)

**One of my best** students **has** a lot of story books.

فعل مفرد اسم جمع صفت عالی

"یکی از بهترین دانش آموزانم کتابهای داستان خیلی زیادی دارد."

**both:** به معنی "**هر دو**" قبل از اسامی "**جمع قابل شمارش**" می آید و فعل همراه آن بصورت "**جمع**" میباشد.

I have two brothers. **Both of my brothers** are doctors.

فعل جمع اسم جمع



**each / every** : به معنی "هر" میباشند و هر دو قبل از اسم "مفرد قابل شمارش" می آیند و فعل همراه آنها همواره به صورت "مفرد" خواهد بود:

There are a lot of cars on the street but **every car has** a different color.  
فعل مفرد اسم مفرد

**any** : به معنی "هیچ، هیچی" در جملات "منفی و سؤالی" بکار برده میشود: (قبل از هر نوع اسمی میآید).  
Are there **any** cars in the street? No, there aren't **any** cars.

**نکته خیلی مهم:** any به معنی "هر" در جملات "مثبت قبل از اسامی مفرد قابل شمارش" میآید:  
It is necessary for **any member** of the club to be on time.  
اسم مفرد

**نکته مهم و کنکوری:** only به معنی "فقط" قبل از "a little" و "a few" استفاده میشود.  
The village was very small. There were **only a few houses**.  
اسم جمع قابل شمارش

Why don't you hurry? We have **only a little time**.  
اسم غیر قابل شمارش

### نکته مهم (منحصراً زبان):

ممکن است که اسامی غیر قابل شمارش در معنی دیگری بکار رفته باشند که در این صورت قابل شمارش محسوب میشوند و می توانند جمع بسته شوند. پس این اسامی دارای دو معنی متفاوت هستند و چنانچه در یک تست با آنها مواجه شدیم ابتدا باید تعیین کنیم که در آن جمله در نقش غیر قابل شمارش خود بکار رفته اند و یا قابل شمارش. مهمترین اسامی که هم میتوانند قابل شمارش باشند و هم غیر قابل شمارش عبارتند از:

اسم	قابل شمارش	غیر قابل شمارش	اسم	قابل شمارش	غیر قابل شمارش
<b>work</b>	اثر هنری	کار	<b>wood</b>	جنگل	چوب
<b>time</b>	دفعه - بار	وقت ، زمان	<b>food</b>	غذا	خوراک
<b>room</b>	اتاق	فضا	<b>play</b>	نمایش نامه	بازی
<b>light</b>	چراغ	نور	<b>chicken</b>	جوجه (پرنده)	گوشت مرغ
<b>hair</b>	تار مو	مو	<b>glass</b>	لیوان	شیشه
<b>paper</b>	روزنامه	کاغذ	<b>water</b>	جویبار - جوی	آب
<b>iron</b>	اتو	آهن	<b>experience</b>	حادثه ، رویداد	تجربه

# نمونه سؤالات امتحانی گرامر

پاسخ نامه: صفحه ۴۲

۱. از **much** یا **many** استفاده کرده و جاهای خالی را پر کنید.

1. He doesn't read very much. He doesn't have ----- books.
2. How ----- bread did your mother buy yesterday?
3. How ----- players are there on a volleyball team?
4. My little brother doesn't have ----- money.
5. How ----- people are coming to the party?
6. How ----- milk should I get at the store?
7. She wasn't hungry, so she didn't eat -----.
8. There aren't ----- hotels in this city.
9. Were there ----- people on the bus?
10. Did ----- students pass the exam?

۲. از **a few** و **a little** استفاده کرده و جاهای خالی را پر کنید.

1. I can't talk to you now. I've got ----- things to do.
2. I wrote ----- letters to my friends last night.
3. We have ----- money, but we're not rich.
4. She went out ----- minutes ago.
5. Can I ask you ----- questions?
6. We took ----- pictures when we were on vacation.
7. They're going away for ----- days next month.
8. I didn't eat anything, but I drank ----- water.
9. I want ----- sugar in my coffee.
10. Everybody needs ----- luck.

۳. بهترین گزینه را انتخاب کنید.

1. She can drink a lot of water, but she cannot drink ----- coffee.

a. a little	b. a few	c. many	d. much
-------------	----------	---------	---------

2. He does not eat much meat, but he eats ----- vegetables.

a. very	b. a lot of	c. much	d. a lot
---------	-------------	---------	----------

3. Every morning I buy a lot of newspapers, but I don't buy ----- magazines.

a. much	b. very	c. many	d. a lots of
---------	---------	---------	--------------

4. An endangered language is a language that has very ----- speakers.

a. *a few*

b. *a little*

c. *few*

d. *little*

5. There aren't ----- Italian teachers in that school, but there are a lot of English ones.

a. *many*

b. *a lot*

c. *much*

d. *little*

6. Did you take ----- photographs when you were on holidays?

a. *a little*

b. *very*

c. *many*

d. *much*

7. Most of the town is modern. There are ----- old buildings.

a. *few*

b. *a lot of*

c. *lots of*

d. *little*

8. The weather has been very dry recently. We've had ----- rain.

a. *many*

b. *a lot of*

c. *little*

d. *a few*

9. A: Did the teacher give us any homework? B: Yes, but not -----.

a. *lots of*

b. *a lot of*

c. *many*

d. *much*

10. I bought ----- bread, but I didn't buy any butter. I forgot!

a. *many*

b. *some*

c. *few*

d. *a few*

11. If you eat too ----- cake, you will get sick.

a. *some*

b. *many*

c. *much*

d. *lots of*

12. Ali always talks ----- about his school days.

a. *many*

b. *a lot of*

c. *lots of*

d. *a lot*

13. ----- salt is necessary to cook spaghetti.

a. *A little*

b. *A few*

c. *Many*

d. *Few*

14. ----- drops of lemon can be useful to clean windows.

a. *Little*

b. *A little*

c. *Much*

d. *A few*

15. Our team didn't play well. We made too ----- mistakes.

a. *very*

b. *many*

c. *much*

d. *some*

16. There ----- sugar in the kitchen, we need buy some.

a. *aren't much*

b. *aren't a lot of*

c. *isn't much*

d. *isn't a lot*

17. I have got ----- friends abroad, not many.

a. *a few*

b. *very few*

c. *a lot of*

d. *much*

18. My sister has ----- scarves. She likes to wear them when it's cold outside.

a. *few*

b. *much*

c. *many*

d. *a little*

19. If they have to choose a place to eat out, ----- people will say that they love fast food.

a. *plenty of*

b. *much*

c. *a lots of*

d. *a little*

20. It was a bad day for fishing. He caught very ----- fish.

a. *little*

b. *much*

c. *few*

d. *a few*

۴. زیر گزینه ی صحیح خط بکشید.

1. I am sorry, my (**knowledge is / knowledge are**) so poor that I can't help you right now.
2. We had very (**little / a little**) money left when we came back from holidays.
3. The old man could not eat solids as he had very (**a little / few**) teeth left.
4. I would like to make new friends. I've got (**little / few**) friends here.
5. There is very (**little / few**) orange juice left in the fridge.
6. How (**many / much**) plays did Shakespeare write?
7. Eating too (**many / much**) chocolate is unhealthy.
8. I can't wait for you. I've got (**few / little**) time.

۵. گزینه ی صحیح را انتخاب کنید.

1. My brother drank a (**kilo / bag / glass**) of orange juice and went out.
2. I'm going to buy a (**carton / piece / glass**) of milk and some eggs.
3. I'm going to the baker's, I need a (**slice / piece / loaf**) of bread.
4. We'll need a few (**bars / slices / cups**) of soap for the holidays.
5. Could you please bring me a (**bottle / cup / bar**) of tea?
6. My father bought a (**bar / slice / bag**) of rice last night.
7. Milk costs about 5000 tomans a (**slice / bottle / loaf**).
8. Would you like another (**loaf / slice / kilo**) of cake?
9. How much does a (**kilo / loaf / piece**) of rice cost?
10. Would you like a (**glass / cup / bottle**) of coffee?

۶. با استفاده از کلمات داده شده جمله بسازید.

1. do / much / need / information / how / they?  
1. -----?
2. drink / every / eight / we / of / should / glasses / day / water.  
2. -----.
3. many / in / students / there / the class / are / new?  
3. -----?

4. much / a present / they / have / to buy / money / don't.

4. -----.

5. lessons / have / many / on Mondays / how / you / do?

5. -----?

6. carrots / aren't / the fridge / there / in / many.

6. -----.

7. last / many / summer / how / did / read / books / you?

7. -----?

8. spend / time / television / too much / the children / watching.

8. -----.

9. did / of / how / drink / many / you / tea / cups?

9. -----?

10. knows / Chinese / little / culture / he / about.

10. -----.

یادداشت:

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

-----

# ترتیب اجزای جمله در زبان انگلیسی

**تعریف جمله ساده:** جمله ای گفته میشود که حداقل دارای "فاعل" و "فعل" باشد. البته در این جملات می توانیم از مفعول و قید هم استفاده کنیم. در این گونه جملات ما داریم درباره یک کسی یا یک چیزی صحبت می کنیم که به آن "فاعل" جمله میگویند. به تعریف دیگر فاعل انجام دهنده آن کار یا عمل فعل است. به کلمه ای که فاعل آن را انجام میدهد "فعل" میگویند.

They are singing.  
فاعل      فعل

He fell down.  
فاعل      فعل

My brother is sleeping.  
فاعل      فعل

**فاعل:** می تواند شامل موارد زیر باشد:

Hassan, Jack, Zahra, David, Parsa

اسم شخص :

I, you, he, she, it, we, they

ضمیر فاعلی:

house, mountain, road, shop, school, class

اسم مکان :

computer, car, book, airplane

اسم شی یا وسیله :

**توجه کنید:** در زبان انگلیسی اولین حرف اولین کلمه هر جمله ای باید با حرف بزرگ نوشته شود و در انتهای جمله ی خبری باید "نقطه" گذاشته شود .

**مفعول:** یک جمله ساده به غیر از فاعل و فعل می تواند مفعول هم داشته باشد و مفعول اسمی است که کار بر روی آن انجام میشود. مفعول بعد از فعل اصلی جمله یا بعد از حروف اضافه بکار برده میشود.

He is drinking water.

چنانچه نخواهیم مفعول در جمله ای تکرار شود به جای آن از ضمیر مفعولی استفاده میکنیم.

me, you, him, her, it, us, you, them

## انواع فعل ها:

He plays football.

**فعل متعدی:** فعلی است که در جمله به مفعول نیاز دارد.

He came.

**فعل لازم:** فعلی است که نیازی به مفعول ندارد.

**تعریف قید:** قید کلمه ای است که برای توصیف نحوه، زمان، مکان و تعداد دفعات تکرار فعل در جمله مورد استفاده قرار می گیرد. یک جمله ساده میتواند علاوه بر داشتن فاعل، فعل و مفعول اطلاعات دیگری رو به شکل قید های مکان، زمان، حالت و قیدهای تکرار در جمله به ما بدهد.

He is studying English hard.

"او دارد به شدت انگلیسی می خواند."

انواع قید: ۱- قید حالت ۲- قید مکان ۳- قید زمان ۴- قید تکرار

**۱- قید حالت:** قید های حالت "چگونگی و نحوه انجام و اتفاق افتادن فعل" را بیان میکنند. مثلاً آن فعل به چه صورتی انجام شده است. برای مثال ۲ دهنده را در نظر بگیرید. هر دوی آنها در حال دویدن هستند اما ممکن است یکی از آنها "سریع" بدود و یکی از آنها "آرام" بدود. در اینجا فعل ما "دویدن" است. اما آن کلمه ای که میآید و درباره نحوه انجام شدن آن فعل یعنی سریع یا آرام دویدن صحبت می کند قید حالت نامیده میشود. مثال:

They are running. Jack is running **fast**, but his friend is running **slowly**.

" آنها دارن میدوند. جک دارد **سریع** میدود ولی دوستش دارد **آهسته** میدود."

برای پیدا کردن قید حالت می توانیم با پرسیدن سؤال "how" یا "چطور" متوجه قید حالت در جمله بشویم.

**How** is Jack running? He is running fast.

جک داره چطور میدود؟ اون داره **سریع** میدود

با اضافه کردن پسوند "ly" به آخر برخی از صفت ها، قید حالت ساخته میشود.

### جایگاه قرارگیری قیدهای حالت در جمله:

قیدهای حالت که برای توصیف حالت فعل می باشند به طور معمول قبل یا پس از فعلی که می خواهد حالتش را بیان کنند قرار می گیرند. اگر فعلی، فعل متعددی باشد یعنی دارای مفعول باشد این قیدها می توانند پس از مفعول قرار بگیرند.

"او به آرامی در حال خواندن نامه است." She's **slowly** reading the letter. She is reading the letter **slowly**.

فاعل فعل مفعول قید حالت

فعل اصلی قید حالت

باید به این نکته توجه کنید که قید حالت نمی تواند بین فعل و مفعول قرار بگیرد:

~~She read slowly the letter.~~

این جمله نادرست می باشد چون قید حالت slowly بین فعل و مفعول قرار گرفته است.

**۲- قید مکان:** قیدهای مکان قیدهایی هستند که درباره مکان انجام شدن و اتفاق افتادن فعل صحبت میکنند. پس به عبارت دیگر قیدهای مکان در واقع کلماتی هستند که "مکان و جای" انجام شدن فعل را نشان میدهند. همان مثال دونه را در نظر بگیرید.

Jack is running **on the street**.

"جک در حال دویدن در خیابان است."

برای اینکه در یک جمله قید "مکان" را شناسایی کنیم می توانیم سؤال "where" یا "کجا" را بپرسیم:

**Where** is Jack running?

Jack is running **on the street**.

قیدهای مکان غالباً در انتهای جمله به کار می روند. اگر در جمله فقط قید مکان داشته باشیم می تواند پس از فعل یا مفعول آن قرار بگیرد. اما این قید نمی تواند ما بین فعل و مفعولش بیاید.

I met my friend **on the street**. NOT: ~~I met on the street my friend.~~

**۳- قید زمان:** قیدهای زمان قیدهایی هستند که درباره "زمان انجام شدن فعل" به ما اطلاعاتی را ارائه می کنند. این قیدها به ما میگویند که چه زمانی آن کار (فعل) اتفاق افتاده است. پس می توانیم بگوئیم که قیدهای زمان کلماتی هستند که زمان اتفاق افتادن یک کاری را به ما نشان میدهند و میگویند که این کار چه زمانی رخ داده است:

Jack was running **yesterday**

برای اینکه در یک جمله ای بخواهیم قید زمان را مشخص کنیم می توانیم سؤال "when" یا "کی"، "چه موقع"، یا "چه زمانی" را بپرسیم تا قید زمان در جمله مشخص شود. (از **what time** برای سؤال پرسیدن در مورد ساعت استفاده میشود).

**When** was Jack running?

He was running **yesterday**.

قیدهای زمان به طور معمول می توانند هم در "ابتدای جمله" و هم در "انتهای جمله" قرار بگیرند.

**Yesterday** I saw my friend.

I saw my friend **yesterday**.



## نحوه و ترتیب قرار گرفتن قیدهای حالت، مکان و زمان:

He was walking slowly on the street this morning.

قید زمان      قید مکان      قیدحالت

۴- قید های تکرار: (Adverbs of Frequency) برخی از قیدهای تکرار عبارتند از:

always	همیشه	usually	معمولاً	generally	معمولاً	often	اغلب
sometimes	گاهی اوقات	normally	معمولاً	hardly	به ندرت	never	هرگز
scarcely	به ندرت	barely	به ندرت	seldom	به ندرت	occasionally	گاهگاهی
frequently	اغلب	rarely	به ندرت	hardly ever	به ندرت		

چرا به قیدهای فوق قید تکرار میگویند؟ چون این قیدها تعداد دفعات تکرار و انجام شدن فعل را بیان می کنند. مثلاً قید تکرار always نشان میدهد که عمل انجام شدن فعل همیشگی بوده و آن کار همیشه اتفاق میافتد.

۱- قیدهای تکرار در زمان حال ساده که دارای یک فعل هستند "قبل از فعل اصلی" قرار می گیرند. مفهوم این جمله این است که اگر یک فعل در جمله باشد و فعل کمکی وجود نداشته باشد، قید تکرار "قبل از آن فعل" قرار میگیرد.

He usually plays football on Saturday. "او معمولاً در شنبه ها فوتبال بازی میکند."  
فعل اصلی قید تکرار

۲- اگر در جمله فعل to be داشته باشیم، قید تکرار "بعد از فعل to be" قرار میگیرد.

He is often late. "او اغلب تأخیر دارد."  
قید تکرار فعل to be

۳- جملاتی که دارای یک، دو و یا سه فعل کمکی باشند، قیدهای تکرار "بعد از اولین فعل کمکی" قرار میگیرد.

She is always leaving his dirty socks on the floor. "او همیشه جورابهای کثیفش را روی کف اتاق جا میگذارد."

I can never remember his name. "من هرگز نمیتوانم اسمش را به یاد بیاورم."

نکته ای بسیار مهم: چنانچه در جمله ای یکی از قیدهای تکرار:

*rarely - barely - seldom - scarcely - hardly - hardly ever - never*

بکار رفته باشد، آن جمله جمله ای "منفی" بحساب میآید و دیگر در آن جمله قید منفی ساز not و یا no بکار برده نمیشود.  
"من به ندرت به شنا میروم." (به شنا نمیروم)

I rarely go swimming.

نکته: قید تکرار sometimes در "ابتدا و انتهای جمله" هم میآید اما جمله از نظر معنی تغییر نخواهد کرد:

Sometimes I have lunch at work. "بعضی اوقات من نهار را در سر کار میخورم."

= I have lunch at work sometimes. "بعضی اوقات من نهار را در سر کار میخورم."

نکته: برای سؤالی کردن قیدهای تکرار از "How often" به معنی "چند وقت به چند وقت" استفاده میکنیم:

*How often* do you have Math? "چند وقت به چند وقت ریاضی دارید؟"

We always have math on Mondays and Wednesdays. "ما در دوشنبه ها و چهارشنبه ها ریاضی داریم."





## پاسخنامه تستهای آموزشی و دستگرمی گرامر درس اول (پایه یازدهم):

**شیوه کلی حل تستهای گرامر:** عموماً برای حل تستهای گرامر ابتدا به گزینه های سؤال نگاه کرده و سعی میکنیم گرامر مربوطه را حدس بزنیم، آنگاه در قبل و بعد از جای خالی به دنبال نکته مربوطه در آن گرامر، برای به دست آوردن پاسخ صحیح، میگردیم.

- ۱- (C) با نگاه کردن به گزینه ها در مییابیم که این تست مربوط به "اسم غیر قابل شمارش" (sugar) است که حالت جمع ندارند و برای شمارش آنها از واحدهای شمارش (bag) استفاده میکنیم. چون عدد از یک بیشتر است پس باید واحد شمارش "جمع" باشد. (حذف گزینه d و a). در ضمن در درس دو پایه دهم یاد گرفتیم که صفت (white) قبل از اسم میآید نه بعد از آن (حذف گزینه b) ترجمه: "ما شکر نداشتیم و مادرم ازم خواست دو کیلو شکر سفید بخرم."
- ۲- (B) snow به معنی برف "غیر قابل شمارش" میباشد پس S جمع نمیگیرد و فعل همراه آن نیز باید "مفرد" باشد. ترجمه: "در فصل زمستان در آلاسکا برف بسیار زیادی بر روی زمین وجود دارد."
- ۳- (C) رجوع شود به توضیحات سؤال ۱. Milk "غیر قابل شمارش" میباشد. ترجمه: "بچه های من معمولاً دو لیوان شیر را در صبحها میخورند. این (شیر خوردن) آنها را سالم نگه میدارد."
- ۴- (A) بعد از جای خالی اول "اسم جمع قابل شمارش" (people) آمده است. پس گزینه های b و d حذف میشوند چون a little و little با اسم قابل شمارش بکار برده نمیشوند. بعد از عددی که از یک بیشتر باشند حتما اسم باید "جمع" باشد. (حذف گزینه c). ترجمه: "بسیاری از مردم دو زبان را بلد هستند. اما تعداد خیلی خیلی کمی از مردم بیشتر از ده زبان را صحبت میکنند."
- ۵- (D) در زبان انگلیسی کلمه traffic "غیر قابل شمارش" محسوب میشود پس گزینه های a و b اشتباه میباشند (many و a few) با اسامی غیر قابل شمارش بکار برده نمیشوند. some در جمله سؤالی (مگر برای پیشنهاد و درخواست) بکار برده نمیشود. (حذف گزینه c) ترجمه: "آیا ترافیک زیادی در شهر شما وجود دارد؟"
- ۶- (A) money "غیر قابل شمارش" میباشد (حذف گزینه c). گزینه d ناقص است چون lots با حرف اضافه of بکار برده میشود. در گزینه b حرف اضافه of لازم نیست. ترجمه: "آیا ۵ دلار داری؟ - نخیر ندارم. اما "دیوید" پول خیلی زیادی با خودش دارد."
- ۷- (C) حرف تعریف نامعین a همیشه با "اسم مفرد قابل شمارش" بکار برده میشود. (حذف گزینه a). گزینه d هم با اسامی جمع (countries) بکار نمیرود. چون فعل جمله "مفرد" است پس در اینجا کاربرد a lot of اشتباه میباشد. (چنانچه با اسامی جمع بیاید فعل جمله حتما باید بصورت "جمع" بیاید). در ضمن one of همیشه با فعل مفرد بکار میرود. ترجمه: "اسپانیا کشور زیبایی است. یکی از کشورهای است که میخوام از آن دیدن کنم."
- ۸- (B) time چنانچه به معنی "وقت و زمان" باشد غیر قابل شمارش میباشد (حذف گزینه d و a). در گزینه سوم باید بعد از a lot حرف اضافه of میآید. little به تنهایی جمله را منفی میکند. نکته: a lot یک "قید" محسوب شده و معمولاً بعد از فعل و مفعول جمله بکار میرود و هرگز بلافاصله بعد از آن اسم نمیآید. ترجمه: "از زمانیکه که شغل جدیدم را شروع کرده ام چنین به نظر میرسد که وقت خیلی خیلی کمی برای انجام کارهایی که از آنها لذت میبردم، دارم."
- ۹- (C) بعد از جای خالی "اسم مفرد قابل شمارش" (member) آمده و تنها گزینه ای که با اسم مفرد میآید فقط گزینه c میباشد. گزینه b و a با اسم جمع و گزینه d با "اسم غیر قابل شمارش" بکار میروند. ترجمه: "من شب گذشته هر یک از اعضای باشگاه را به مهمانی دعوت کردم."
- ۱۰- (D) homework "غیر قابل شمارش" است پس گزینه a و b که همراه با "اسم قابل شمارش" میآیند، اشتباه هستند. برای سوال کردن در مورد مقدار یک اسم غیر قابل شمارش از how much استفاده میکنیم. ترجمه: "چه مقدار تکلیف را تو مجبوری امشب انجام بدهی؟ - من (تکلیف) خیلی زیادی دارم."

• ۱۱- (B) قبل از اسامی جمع سال، ماه، هفته و روز و عباراتی که به زمان مربوط میشوند به جای **a lot of** و **lots of** فقط از **many** استفاده میشود.

ترجمه: " - آیا تا به حال به شیراز سفر کرده ای؟ - بله من خیلی سالها پیش در آنجا بوده ام."

• ۱۲- (C) کلمه **soup** "غیر قابل شمارش" است (حذف گزینه b و d). بعد از جای خالی دوم کلمه **sandwich** به صورت "مفرد" بکار رفته پس گزینه a اشتباه است.

ترجمه: "من کمی سوپ و یک ساندویچ برای نهار خوردم. آنها خیلی خوشمزه بودند."

• ۱۳- (C) برای سوال کردن در مورد مقدار یک "اسم غیر قابل شمارش" از **how much** استفاده میکنیم که بلافاصله بعد از آن باید اسم غیر قابل شمارش (در اینجا **time**) می آید و آنگاه ادامه جمله باید "حالت سؤالی" داشته باشد.

ترجمه: "چه مدت زمانی را (در) هفته گذشته برای انگلیسی صرف کردی؟"

• ۱۴- (B) در جای خالی اول با "ترتیب قیدها" مواجهیم (قید زمان - قید مکان - قید حالت). پس گزینه d اشتباه هستند و هرگز قید زمان قبل از قید مکان نمیآید. برای نشان دادن حالت فعل (drive) از قید حالت (slowly) استفاده میکنیم. (slow صفت میباشد).  
ترجمه: "ماشینهای خیلی زیادی دیروز در خیابان وجود داشتند و مردم مجبور بودند به آرامی رانندگی کنند."

• ۱۵- (A) قید زمان (yesterday) میتواند در ابتدای جمله بیاید اما "قید حالت" (fast) بعد از فعل و مفعول و یا قبل از فعل اصلی جمله بکار میرود. (حذف گزینه b و c). قید حالت (fast) هرگز ly نمیگیرد. (حذف گزینه c)  
ترجمه: "من او را دیروز دیدم که به سرعت در حومه شهر در حال اسب سواری بود."

• ۱۶- (D) در این تست با "ترتیب اجزای جمله مثبت" روبرو هستیم:

(قید زمان - قید مکان - قید حالت - مفعول - فعل اصلی - قید تکرار - فعل کمکی - فاعل)

نکته: قید حالت میتواند قبل از فعل اصلی جمله بکار برده شود. پس تنها گزینه d درست میباشد.

ترجمه: "دیروز در همین وقتها، یک هواپیما به آرامی در آسمان در حال پرواز کردن بود."

• ۱۷- (B) رجوع به توضیحات سؤال ۱۶. برای سؤالی کردن جملات زبان انگلیسی فعل کمکی را به قبل از فاعل منتقل میکنیم. در این جا چون جمله در زمان حال ساده میباشد از فعل کمکی استفاده شده است. (حذف گزینه c و d). قید تکرار (usually) قبل از فاعل بکار نمیرود. (حذف گزینه a)

ترجمه: "تو معمولاً با ماشین به سر کار میروی یا با اتوبوس؟"

• ۱۸- (C) رجوع به توضیحات سؤال ۱۶ و ۱۷. گرامر: "ترتیب اجزای جمله"

Do you often drink a lot of milk so fast in the morning?

قید زمان      قید حالت      مفعول      فعل اصلی      قید تکرار      فاعل      فعل کمکی

ترجمه: "آیا تو اغلب در صبحها، شیر خیلی زیادی را خیلی به سرعت مینوشی؟"

• ۱۹- (C) با نگاه به گزینه ها میبینیم که در تمامی آنها یک عدد بصورت حروف نوشته شده است. فقط در گزینه c نوشتن عدد به حروف به درستی صورت گرفته. در گزینه a ما بین دهگان و یکان باید "خط تیره" باشد. در گزینه b نباید ما بین صدگان و دهگان خط تیره نوشته شود. در گزینه d بین **two-hundred** خط تیره لازم نیست.

ترجمه: "او هزار و سی و نه دلار را از دوستش قرض گرفت."

• ۲۰- (D) با نگاه به گزینه ها میبینیم که در تمامی آنها یک "اسم غیر قابل شمارش" وجود دارد. در گزینه های c و a اسم غیر قابل شمارش (bread و rain) نباید فعل جمع بگیرند. در گزینه b اسم غیر قابل شمارش (rice) نباید جمع بگیرد.

ترجمه: "من دو تکه پیتزای ایتالیایی را در رستوران خوردم."

## Vocabulary Tests (Lesson 1)      ۳۰ تست واژه درس یک

سطح تستها: کنکوری - استاندارد

پاسخنامه: صفحه ۴۳

توجه: لطفاً قبل از شروع به تستی زنی، سعی کنید لغات مهم این درس را حفظ کنید.

1. Our ----- to think and speak makes us different from other animals.  
a. ability                      b. activity                      c. research                      d. memory
2. Everyone needs to have both ----- and physical health.  
a. mental                      b. religious                      c. careful                      d. reasonable
3. Like so many other companies at that time, we had to ----- to survive.  
a. borrow                      b. exist                      c. master                      d. form
4. These days it is very difficult to predict what will ----- next year.  
a. respect                      b. communicate                      c. imagine                      d. happen
5. To be quite -----, I don't think your son will be successful in this field of study.  
a. honest                      b. worry                      c. strange                      d. familiar
6. The police ----- the copy with the original, but there was not much difference.  
a. combined                      b. connected                      c. compared                      d. considered
7. Most of the ancient languages have ----- because they have no speakers.  
a. gone out                      b. died out                      c. given up                      d. come in
8. That book is appropriate for young children. "appropriate" means -----.  
a. efficient                      b. various                      c. suitable                      d. explicit
9. Education and training are the most effective ----- of importing a nation's culture.  
a. layers                      b. results                      c. means                      d. functions
10. Every month the group meets so its members can ----- their opinions.  
a. contrast                      b. range                      c. exchange                      d. imagine
11. I didn't believe his ----- that he had stolen the money to give it to charity.  
a. space                      b. notice                      c. value                      d. explanation
12. At my mom's birthday, I booked a table for four at her ----- restaurant.  
a. extra                      b. native                      c. favorite                      d. impossible
13. Mother ----- is the first language that you learn when you are a baby.  
a. interest                      b. tongue                      c. sign                      d. experience
14. The road was very busy and we lost ----- time in heavy traffic.  
a. wrong                      b. valuable                      c. probable                      d. mental
15. It would not be most ----- for all of us to discuss it now before we make any decision.  
a. public                      b. straight                      c. willing                      d. appropriate



16. Galileo was ----- the first person to use the telescope to observe the sky.  
**a. continuously**      **b. firmly**      **c. recently**      **d. probably**
17. Computers have given banks the ----- to do millions of transfers a day.  
**a. variety**      **b. process**      **c. power**      **d. voluntary**
18. Because of advances in the world, the ----- of family life has changed recently.  
**a. choices**      **b. patterns**      **c. schedules**      **d. actions**
19. Average temperatures in April ----- from 15 to 25 degrees.  
**a. scan**      **b. master**      **c. range**      **d. imagine**
20. It's clear that fluency and ----- are more important than grammar when speaking.  
**a. pattern**      **b. tongue**      **c. step**      **d. communication**
21. I couldn't communicate with him in English, -----, I had to use body language.  
**a. besides**      **b. therefore**      **c. in addition**      **d. however**
22. When preparing meals, you need to think about variety, taste and nutritional -----.  
**a. values**      **b. points**      **c. beliefs**      **d. prices**
23. We must also consider the needs of the younger members of population to have a good -----.  
**a. society**      **b. grade**      **c. history**      **d. experience**
24. By practicing regularly, her piano playing has ----- improved.  
**a. greatly**      **b. honestly**      **c. wrongly**      **d. probably**
25. -----, most of the road accidents happen because of the drivers' carelessness.  
**a. Luckily**      **b. Nowadays**      **c. Fortunately**      **d. Wrongly**
26. Reza is not happy with his income, so he is ----- a new job in a larger city.  
**a. turning on**      **b. turning up**      **c. looking for**      **d. looking after**
27. Ali and Mehdi run a large company together and are very good business -----  
**a. winners**      **b. students**      **c. patterns**      **d. beginners**
28. He travelled all ----- ranged from Europe to Asia to raise money for charity.  
**a. cities**      **b. towns**      **c. continents**      **d. states**
29. He had no doubts about his team's ----- to reach the World Cup Finals.  
**a. ability**      **b. region**      **c. pattern**      **d. grade**
30. I know from ----- that Tony never keeps his promises.  
**a. communication**      **b. experience**      **c. society**      **d. mind**
-



# نمونه سؤال امتحانی درس اول زبان پایه یازدهم

پاسخنامه: صفحه ۴۴ - ۴۳

۱. کلمات ناقص زیر را از لحاظ املائی کامل کنید. ( ۱ نمره)

1. After a long and emotional expl\_n\_tion they were friends again.
2. Language is a system of com\_\_unic\_\_tion.
3. Please buy three l\_\_a\_\_es of bread.
4. How many can\_\_l\_\_s do we need?

۲. با استفاده از کلمات داده شده جملات زیر را کامل کنید. ( یک کلمه اضافی می باشد ) ( ۲ نمره)

despite / society / region / native / make up / range / access / ability / popular

1. It's the good weather that makes Iran such a ----- tourist destination.
2. People now can ----- information from the internet as never before.
3. Could you ----- a list of what we need at the supermarket?
4. Those who clean the streets have a great role in our -----.
5. If he studies harder, he has the ----- to pass his exams.
6. Her ----- language is French, but she speaks Spanish.
7. Do you know the best farming ----- of our country?
8. They decided to go out ----- the bad weather.

۳. جملات زیر را با نوشتن کلمه ی مناسب کامل کنید. ( ۱ نمره)

1. She cannot hear. You must try to explain by m \_ \_ \_ \_ of sign language.
2. Eighteen p \_ \_ \_ \_ \_ of the world's population live in China.
3. It is impossible to i \_ \_ \_ \_ \_ the world without language.
4. Our school m \_ \_ \_ \_ the needs of all students.

۴. بهترین گزینه را انتخاب کنید. ( ۱ نمره)

1. In some parts of Asia and Africa, milk is not a ----- drink.

a. loaf	b. native	c. popular	d. countable
---------	-----------	------------	--------------

2. Does life ----- on other planets.

a. explain	b. range	c. exchange	d. exist
------------	----------	-------------	----------

3. All languages are really valuable, ----- their differences.

a. despite	b. through	c. therefore	d. by means
------------	------------	--------------	-------------

4. I'm worried about my daughter's physical and ----- development.

a. specific	b. interest	c. mental	d. cultural
-------------	-------------	-----------	-------------

۵. کدام گزینه با سایر گزینه ها متفاوت است؟ (۱ نمره)

1. lots of / many / a lot of / a little	2. Italy / England / Africa / Germany
3. piece / cup / glass / bottle	4. juice / rice / coffee / milk

۶. هر تعریف را با کلمه ی مرتبط به آن وصل کنید. (۱ نمره)

1. A person who comes from another country: (-----)	a. specific
2. Relating to one thing and not others: (-----)	b. vary
3. A large group of people who live together: (-----)	c. foreigner
4. To be different from each other: (-----)	d. society

۷. بهترین گزینه را انتخاب کنید. (۱ نمره)

1. There are too ----- cars on the road. More people should use public transport.

a. little	b. much	c. some	d. many
-----------	---------	---------	---------

2. A: Would you like some cheese? B: Yes, please but not too -----.

a. many	b. much	c. some	d. very
---------	---------	---------	---------

3. How ----- is there in the kitchen?

a. many bread	b. many breads	c. much bread	d. much breads
---------------	----------------	---------------	----------------

4. Ali has so ----- friends that I couldn't invite them all.

a. many	b. much	c. little	d. few
---------	---------	-----------	--------

۸. با هر گروه از کلمات زیر یک جمله ی کامل بسازید. (۱/۵ نمره)

1. students / there / the / in / many / are / class / how?

1. -----?

2. should / milk / day / a lot of / every / drink / children.

2. -----.

۹. در جملات زیر اجزای جمله (فاعل، فعل، مفعول و قیدها) را مشخص کنید. (۲ نمره)

فاعل: (S = Subject) فعل: (V = Verb) مفعول: (O = Object) قیدها: (AI = Additional Information)

1. They study English at school every day. S → ----- V → ----- O → ----- AI → ----- AI → -----
2. My father can speak English fluently. S → ----- V → ----- O → ----- AI → -----
3. Last night, my sister made cookies at home. S → ----- V → ----- O → ----- AI → ----- AI → -----
4. My cousin started his new job last week. S → ----- V → ----- O → ----- AI → -----

۱۰. با توجه به تصاویر و کلمات داخل پرانتز جملات زیر را کامل کنید. (۱/۵ نمره)



1. I eat three ----- for breakfast. (**loaf**)
2. My father drank two ----- this morning. (**cup**)
3. My little brother ate four ----- last night. (**slice**)

۱۱. زیر گزینه ی صحیح خط بکشید. (۱ نمره)

1. Sometimes the prices in the local shop are (**many / much**) better than the supermarket's prices.
2. He spoke (a **little / little**) English, so it was difficult to communicate with him.
3. I'm really hungry now. I didn't have (**a lot of / a lot**) for breakfast.
4. I went shopping and spent (**a lot of / many**) money.

۱۲. متن زیر را بخوانید و جاهای خالی را با گزینه های داده شده کامل کنید. (۳ نمره)

A continent is a large area of the land on Earth that is ---(**1**)--- together. In general it is agreed there are seven ---(**2**)--- in the world: Africa, Antarctica, Asia, Europe, North America, Australia or Oceania, and South America. Some sources say that Australia is one of the ---(**3**)--- continents. Others say that Australia is part of Oceania. Oceania is a ---(**4**)--- which includes Australia, New Zealand and the Pacific Islands.

North America and South America are often ---(**5**)--- as "the Americans". This has the advantage of including Central America and the Caribbean islands. Otherwise, Central America is counted as ---(**6**)--- of North America.

<b>1</b>	<i>a. appeared</i>	<i>b. imagined</i>	<i>c. joined</i>	<i>d. scanned</i>
<b>2</b>	<i>a. regions</i>	<i>b. continents</i>	<i>c. centuries</i>	<i>d. societies</i>
<b>3</b>	<i>a. five</i>	<i>b. six</i>	<i>c. seven</i>	<i>d. eight</i>
<b>4</b>	<i>a. part</i>	<i>b. country</i>	<i>c. institute</i>	<i>d. region</i>
<b>5</b>	<i>a. described</i>	<i>b. escaped</i>	<i>c. matched</i>	<i>d. suggested</i>
<b>6</b>	<i>a. part</i>	<i>b. candle</i>	<i>c. point</i>	<i>d. percent</i>

A sign language is a way of communicating by using the hands and other parts of the body. Sign languages are an important way for deaf people to communicate. Deaf people often use them instead of spoken languages.

Spoken languages use sounds from the mouth and are understood with the ears. Sign languages use hands and are understood with the eyes. Deaf people can use sign languages more easily than spoken languages. Deaf people sometimes learn a sign language from their family, especially if their parents are deaf. But most deaf children have hearing parents, so they learn a sign language from other deaf people. They may meet other deaf people at school or in the streets. Hearing people may learn to sign directly from deaf people. Or, they may learn a sign language by going to signing classes or by studying a sign language workbook, which can come with an interactive DVD.

1. How do deaf people learn a sign language?

1. ....

2. Which group of people often use sign languages?

2. ....

3. Hearing people cannot learn a sign language.

( true or false )

4. Sign languages are not important for deaf people.

( true or false )

5. Sign languages use hands and other parts of the body.

( true or false )

6. Hearing people can use spoken languages more easily than sign languages.

( true or false )

یادداشت:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

# پاسخ نامه

## نمونه سوالات امتحانی وازگان

۱. با استفاده از کلمات داده شده، جملات زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی می باشد)

1. mistake	2. abilities	3. communication	4. suggestion
5. despite	6. impossible	7. society	8. regions
9. communicate	10. choose	11. suggested	12. exist
13. Imagine	14. range	15. disappearing	16. decided

۲. جملات زیر را با نوشتن یک کلمه مناسب کامل کنید.

1. century	2. continents	3. loaves	4. native
5. society	6. learner	7. deaf	8. confident

۳. کلمات زیر را با تعاریف داده شده مطابقت دهید. (یک کلمه اضافی می باشد)

1. specific	2. make up	3. foreigner	4. ability
5. range	6. parking lot	7. synonym	8. sign language

۴. بهترین گزینه را انتخاب کنید.

1. means	2. died	3. besides
4. populations	5. explanation	6. society
7. fluent	8. percent	9. improvements
10. consider	11. mainly	12. despite
13. exchange	14. impossible	15. exist
16. available	17. explain	18. meet
19. surprising	20. abilities	21. range
22. percent	23. matter	24. mental
25. absolutely		

# نمونه سؤالات امتحانی گرامر

۱. از **much** یا **many** استفاده کرده و جاهای خالی را پر کنید.

1. many	2. much	3. many	4. much	5. many
6. much	7. much	8. many	9. many	10. many

۲. از **a few** و **a little** استفاده کرده و جاهای خالی را پر کنید.

1. a few	2. a few	3. a little	4. a few	5. a few
6. a few	7. a few	8. a little	9. a little	10. a little

۳. بهترین گزینه را انتخاب کنید.

1. much	2. a lot of	3. many	4. few	5. many
6. many	7. few	8. little	9. much	10. some
11. much	12. a lot	13. A little	14. A few	15. many
16. isn't much	17. a few	18. many	19. plenty of	20. few

۴. زیر گزینه ی صحیح خط بکشید.

1. knowledge is	2. little	3. few	4. few
5. little	6. many	7. much	8. little

۵. گزینه ی صحیح را انتخاب کنید.

1. glass	2. carton	3. loaf	4. bars	5. cup
6. bag	7. bottle	8. slice	9. kilo	10. cup

۶. با استفاده از کلمات داده شده جمله بسازید.

- How much information do they need?
- We should drink eight glasses of water every day.
- Are there many new students in the class?
- They don't have much money to buy a present.
- How many lessons do you have on Mondays?
- There aren't many carrots in the fridge.
- How many books did you read last summer?
- The children spend too much time watching television.
- How many cups of tea did you drink?
- He knows little about Chinese culture

## پاسخنامه کلیدی تستهای واژگان

### Vocabulary Tests

1	A	6	C	11	D	16	D	21	B	26	C
2	A	7	B	12	C	17	C	22	A	27	C
3	A	8	C	13	B	18	B	23	A	28	C
4	D	9	C	14	B	19	C	24	A	29	A
5	A	10	C	15	D	20	D	25	B	30	B

## نمونه سؤال امتحانی درس اول زبان پایه یازدهم

۱. کلمات ناقص زیر را از لحاظ املايي کامل کنید. ( ۱ نمره)

1. explanation	2. communication	3. loaves	4. candles
----------------	------------------	-----------	------------

۲. با استفاده از کلمات داده شده جملات زیر را کامل کنید. ( یک کلمه اضافی می باشد ) ( ۲ نمره)

1. popular	2. access	3. make up	4. society
5. ability	6. native	7. region	8. despite

۳. جملات زیر را با نوشتن کلمه ی مناسب کامل کنید. ( ۱ نمره)

1. means	2. percent	3. imagine	4. meets
----------	------------	------------	----------

۴. بهترین گزینه را انتخاب کنید. ( ۱ نمره)

1. popular	2. exist	3. despite	4. mental
------------	----------	------------	-----------

۵. کدام گزینه با سایر گزینه ها متفاوت است؟ ( ۱ نمره)

1. a little	2. Africa	3. piece	4. rice
-------------	-----------	----------	---------

۶. هر تعریف را با کلمه ی مرتبط به آن وصل کنید. ( ۱ نمره)

1. foreigner	2. specific	3. society	4. vary
--------------	-------------	------------	---------

۷. بهترین گزینه را انتخاب کنید. ( ۱ نمره)

1. many	2. much	3. much bread	4. many
---------	---------	---------------	---------



۸. با هر گروه از کلمات زیر یک جمله ی کامل بسازید. (۱/۵ نمره)

1. How many students are there in the class?
2. Children should drink a lot of milk every day.

۹. در جملات زیر، اجزای جمله (فاعل، فعل، مفعول و قیدها) را مشخص کنید. (۲ نمره)

1. S: they                      V: study                      O: English                      AI: at school                      AI: every day
2. S: my father                      V: can speak                      O: English                      AI: fluently
3. S: my sister                      V: made                      O: cookies                      AI: at home                      AI: last night
4. S: my cousin                      V: started                      O: his new job                      AI: last week

۱۰. با توجه به تصاویر و کلمات داخل پرانتز جملات زیر را کامل کنید. (۱/۵ نمره)

- |                    |                   |                    |
|--------------------|-------------------|--------------------|
| 1. loaves of bread | 2. cups of coffee | 3. slices of pizza |
|--------------------|-------------------|--------------------|

۱۱. زیر گزینه ی صحیح خط بکشید. (۱ نمره)

- |         |           |          |             |
|---------|-----------|----------|-------------|
| 1. much | 2. little | 3. a lot | 4. a lot of |
|---------|-----------|----------|-------------|

۱۲. متن زیر را بخوانید و جاهای خالی را با گزینه های داده شده کامل کنید. (۳ نمره)

- |           |               |          |           |              |         |
|-----------|---------------|----------|-----------|--------------|---------|
| 1. joined | 2. continents | 3. seven | 4. region | 5. described | 6. part |
|-----------|---------------|----------|-----------|--------------|---------|

۱۳. متن زیر را خوانده و به سئوالات به صورت خواسته شده پاسخ دهید. (۳ نمره)

1. Deaf people learn a sign language from their family or other deaf people.
2. Deaf people often use sign languages.

- |          |          |         |         |
|----------|----------|---------|---------|
| 3. false | 4. false | 5. true | 6. true |
|----------|----------|---------|---------|

رفع اشکال، پیشنهادات و انتقادات:

@HassanKhakpour

خاکپور: 09127211418

@EnglishVisionKhakpour

کانال تلگرام:

@JamalAhmadi1984

احمدی: 09141800310

@PracticalEnglish99

کانال تلگرام: "انگلیسی کنکور با جمال احمدی"